

رشد و توسعه شهر تهران در دوره ناصری (۱۲۶۹-۱۳۲۰ ق)

منصوره اتحادیه*

مقاله حاضر، رشد و توسعه شهر تهران در دوره سلطنت ناصرالدین شاه تا آغاز مشروطیت را دربرمی‌گیرد. در اوایل دوره فتحعلی شاه هنوز تهران تحول چندانی نکرده بود اما، در پایان این دوره، تغییرات بسیاری رخ داد که نشان از تحولات آتی تهران بود، که می‌توان آن را نمونه‌ای از تحولات کلی کشور در قرن گذشته دانست. رشد و توسعه پایتخت ایران از یک طرف، مدیون کوشش‌های دولت در تمرکز قدرت، و از طرف دیگر، بستگی به رشد جمعیت و نقش مردم داشت که بمرور مساحت شهر را وسعت داد و زمینه فعالیت مردم را توسعه بخشید. کمبود آذوقه و مسکن، قحطیهای مکرر و فاصله طبقاتی، از جمله مسائلی بود که در پی رشد شهر تهران به وجود آمد که در این مقاله بدان اشاره خواهد شد.

این مقاله براساس ۳ آمار در سالهای ۱۲۶۹، ۱۲۸۶ و ۱۳۱۷-۱۳۲۰ ق،

* دکتر منصوره اتحادیه (نظام مافی)، استاد دانشگاه تهران.

تهیه شده است.^۱ آمار نخست به احتمال بسیار به دستور میرزا تقی خان امیرکبیر (مقتول در ۱۲۶۸)، به منظور آگاهی از تعداد نفوس برای جمع‌آوری مالیات تهیه شده است. این آمار تعداد خانه‌ها، دکانها و سایر ابنیه، و همچنین نام صاحبان یا مستأجران آنها را ضبط و نوع دکانها را نیز مشخص کرده است.

آمار دوم (۱۲۸۶) را، در زمان صدارت میرزا حسین خان سپهسالار، نجم‌الملک از شاگردان دارالفنون تهیه کرده و اطلاعاتی درباره جمعیت شهر ارائه داده است. در این آمار تعداد مردان، زنان، کودکان، مستخدمان، غلامان، کنیزان، سپاهیان و غیره محاسبه شده و همچنین تعداد صاحبان خانه، اجاره‌نشینها و اهالی شهر از تهرانی و ولایتی نیز مشخص شده است. آمار سوم را اخضرعلی شاه در مدت سه سال از ۱۳۱۷ الی ۱۳۲۰ تهیه کرده و درباره ابنیه تهران است، اما نسبت به آمار اول کمتر به جزئیات پرداخته است. برای مثال، نوع دکانها در آن مشخص نیست، اما اغلب نام افرادی را که ساکن خانه و یا صاحب دکان هستند، آورده است. گاه شغل صاحبخانه و همچنین تعداد دکانهای متعلق به آنها را در محله‌های مختلف مشخص کرده است. گاهی در آمارها اشتباهاتی به چشم می‌خورد که شاید به دلیل مشکلات کار یا تهیه هر قسمت توسط یک فرد، بوده باشد.^۲

۱. نخستین آمار توسط شخص ناشناسی تهیه شده و عنوان آن از این قرار است: «صورت عدد خانه‌ها و سایر بناهای دارالخلافه باهره تهران ۱۲۶۹». دومین آمار با عنوان: «جغرافیا در نفوس اهالی دارالخلافه ناصر ۱۲۸۶». سومین آمار توسط اخضرعلی شاه تهیه شده و عنوان آن از این قرار است: تعیین ثبت ابنیه محاط خندق شهر دارالخلافه باهره ۱۳۱۷» تدوین شده است. این سه آمار در کتاب آمار دارالخلافه تهران، اسنادی از تاریخ اجتماعی تهران در عصر قاجار، ۱۲۶۹ هـ.ق، ۱۲۸۶ هـ.ق، ۱۳۱۷ هـ.ق، چاپ سیروس سعدوندویان و منصوره اتحادیه (نظام مافی)، تهران ۱۳۶۸ش، منتشر شده است.

۲. بعضی ناهماهنگیها در محاسبه این سه آمار وجود دارد. در آمار ۱۲۶۹ گاه صورت کل دکانین با تعداد جمع آنها مطابقت ندارد. (آمار دارالخلافه، ص ۴۹-۵۰، ۱۳۲، ۱۸۸، ۲۶۲، ۳۰۵)، نجم‌الملک نیز در جمع تهرانیهای مقیم محله سنگلج اشتباه کرده است (همان، ص ۳۴) و اخضرعلی شاه در جمع کل خانه‌ها اشتباه دارد (همان، ص ۳۵۵).

در آمار ۱۲۶۹، خانه‌ها را به «دست» و با ذکر تعداد باب ثبت کرده‌اند.^۱ خانه‌های اشراف از چندین ساختمان که شامل باغ، حمام، خانه، طویله، انبار، آب انبار، بیرونی و اندرونی و غیره بود، تشکیل می‌شد. ممکن است یک خانه چندین دست باشد، با یک یا چند باب، تعیین ابواب خانه‌ها حائز اهمیت بود، زیرا که مالیات براساس تعداد ابواب تعیین می‌شد. جدول ۱ ابنيه تهران را در ۱۲۶۹ نشان می‌دهد.

نام مکان	باب	نام مکان	باب
بیوتات	۷۸۷۴	مطب و جراحی	۱۴
دکاکین ^۳	۴۲۲۰	مکتبخانه	۱۴
تکایا	۵۴	چاپخانه	۱۲
امامزاده	۹	انبار دولت	۲
مساجد	۱۱۲	توپخانه و قورخانه	۴
کاروانسرا و تیمچه	۴۷	آب انبار	۷۰
حمامها	۱۵۳	-	-

جدول ۱ - تعداد ابنيه تهران در سال ۱۲۶۹

در آمار ۱۲۸۶، نجم‌الملک تعداد نفوس را ۱۵۵'۷۳۶ نفر ثبت کرده، که از این تعداد ۸'۴۸۰ نفر سپاهی بودند. ضمناً نجم‌الملک میانگین تعداد نفرات را در هر خانه ۱۶ نفر نوشته است.^۲ با توجه به این‌که جمعیت تهران در ۱۲۶۹، ۱۲۵'۹۵۲ نفر بوده است، ظرف مدت هفده سال، یعنی بین آمار سال ۱۲۶۹ تا ۱۲۸۶، رشد جمعیت ۰/۸٪ بوده است. گیلبار رشد جمعیت ایران را در این زمان بین ۰/۵۵٪ الی ۰/۱٪ محاسبه کرده است.^۳ بدون شک در طول

۱۰٪ دکانها به دلایل مختلف بسته بودند. ۱. آمار دارالخلافه، ص ۳۷.

۲. همان، ص ۳۴۵-۳۴۶.

3. G. Gilbar, "Demographic Developments in Qajar Persia. 1870-1976", Asian and African studies, vol.11, no.2, (1976), p.123.



قرن گذشته بیماری وبا و قحطیهای پی در پی که بارها در ایران و تهران رخ می داد از جمعیت می کاست، و مانع رشد آن بود، چنانکه گیلبار نیز بدان اشاره دارد.

علاوه بر رشد طبیعی جمعیت، مهاجرت از ولایات به تهران نیز باعث توسعه این شهر بود که در جای خود توضیح داده می شود. در ۱۳۲۰ جمعیت تهران (بر اساس محاسبه ۱۶ نفر در هر خانه) به میزان ۲۴۴۴۰۰ نفر افزایش یافته بود. بنابراین در ظرف مدت ۳۱ سال، رشد جمعیت ۱٫۵ برابر شده، که با آنچه گیلبار در زمینه رشد جمعیت ایران در اوایل قرن بیستم محاسبه کرده، برابر است.

شهر از لحاظ نمای ظاهری در ۱۲۶۹، داخل دیوار و خندقی قرار داشت، که در دوره صفویه ساخته شده بود. محیط شهر حدود ۶٫۵ کیلومتر مربع، مساحت آن حدود ۴٫۵ کیلومتر مربع^۱ و دارای ۶ دروازه بود. جمعیت بسیار کمی در بیرون دیوار، در کنار دروازه ها سکنی داشتند که شامل: ۱۱۵ خانه، ۲۰۴ دکان، و ۱۱ کاروانسرا بود.^۲

در جنوب شهر، دروازه محمودیه، فعالتر از سایر دروازه ها بود. بیرون دروازه شاه عبدالعظیم، چندین کوره کوزه گری و گچ پزی قرار داشت. در شمال، خارج از دروازه های شمیران و دولت، چندین باغ و بیرون از دروازه قزوین در غرب، چند کاروانسرا و دکان واقع شده بود.^۳

چنانکه آمار نجم الملک در ۱۲۸۶ نشان می دهد، بر اثر توسعه شهر تعداد ۱۶۸۵۳ نفر یا ۱۱٪ جمعیت، بیرون دروازه ها سکنی داشتند. بنابه گفته نجم الملک، قیمت زمین خارج از شهر بالا رفته بود، و مردم حتی روی حصار قدیم که خراب شده بود، خانه ساخته بودند. از جمله

1. J. Gurney, "The Transformation of Tehran in the Late Nineteenth Century", *Tehran, Capital Bicentenaire*, eds. C. Adle, B. Hourcade, 1992, p. 53.

۲. آمار دارالخلافه، ص ۳۳۵. ۳. همان، ص ۳۳۵، ۳۳۸، ۳۴۰.

دلایلی که دولت تصمیم به ساختن حصار جدیدی گرفت، آن بود تا افرادی را که خارج از دیوار شهر زندگی می‌کردند دربر بگیرد. بنابراین مساحت شهر به حدود ۱۲ کیلومتر مربع و محیط آن به حدود ۱۸ کیلومتر مربع افزایش یافت.^۱

دیوار جدید شهر (ظاهراً هیچوقت تکمیل نشد)، ۱۲ دروازه داشت که از این قرار بودند: دروازه‌های دولت، شمیران، یوسف آباد در شمال؛ قزوین، گمرک، باغ شاه در غرب؛ دوشان تپه، خراسان، دولا ب در شرق عبدالعظیم؛ خانی آباد، غار در جنوب؛ آذوقه شهر روزانه از بیشتر دروازه‌ها وارد می‌شد.^۲

بیشتر جمعیت شهر در ۱۲۸۶، غیر تهرانی بودند و تا حدودی رشد جمعیت به مهاجرت برمی‌گشت. اهالی غیر تهرانی به طور متوسط ۶۲٫۶٪ جمعیت شهر را تشکیل می‌دادند.

طبق آمار نجم‌الملک تعداد ساکنین تهرانی در محله‌ها متفاوت بود. بیشتر تهرانیها در محله عودجان و بازار سکنی داشتند (جداول ۲ الف و ۲ ب)، همچنین جمعیتی غیرمسلمان نیز جزو ساکنان شهر بودند (جدول ۲ ج).

آمار ۱۳۲۰: جمعیت را با این جزئیات نشان نمی‌دهد ولی از بین ۱۳۱۱ نفر ساکنین بازار، ۳۱۸ نفر یا ۲۳٪ آنها تهرانی بودند، بقیه، ۲۰۱ اصفهانی ژ، ۱۷۰ شیرازی، ۱۰۲ کاشی و ۵۳۰ نفر متفرقه بودند. هرچند تعداد ۱۳۱۱ نفر جزئی از جمعیت این محله است، ولی شاید نمونه‌ای از شکل جمعیت باشد، که در این صورت نشان می‌دهد که نسبت ساکنین تهرانی در محله بازار در طول ۱۷ سال ۳۷٪ افزایش یافته است.

1. Gurney, op.cit, p. 53.

۲. نجم‌الملک نوشته است که اغلب از اهالی کاشان بودند، (آمار دارالخلافة، ص ۳۴۷) و بنا به گفته پولاک بیشتر به بنایی اشتغال داشتند (باکوب ادوارد پولاک، سفرنامه پولاک، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران ۱۳۶۱ ش، ص ۴۹).

۲۰۰۰۸	قاجار
۳۹۲۴۵	تهرانی
۹۹۵۵	اصفهانی
۸۲۰۱	آذری
۸۷۸۴۷	متفرقه

جدول ۲ الف - تشکیل جمعیت تهران در ۱۲۸۶

تهرانی	جمعیت	محلها
۱۱۴۹۸	۳۶۴۹۵	عودلاجان
۱۰۰۱۲	۲۶۶۷۴	بازار
۴۸۸۴	۲۹۶۷۳	سنگلج
۹۹۷۵	۳۴۵۴۷	چالمیدان
۱۸۲	۳۰۱۴	ارگ
۲۶۹۴	۱۶۸۵۳	خارج از شهر

جدول ۲ ب - جمعیت هر محله و تعداد تهرانیها

تعداد	اقلیت
۱۱۱	زرتشتی
۱۰۶۰	ارمنی
۱۵۷۸	کلیمی
۱۳۰	اروپایی

جدول ۲ ج - جمعیت غیرمسلمان تهران

در ۱۲۶۹ تهران از ۵ محله تشکیل می‌شد، عودلاجان و ارگ در شمال، محله بازار (جدا از خود بازار) در جنوب، سنگلج در غرب و چالمیدان در شرق. جدول ۳ تعداد خانه‌ها و دکانهای هر محله را مشخص می‌کند.

دکان	خانه	محله
۱۱۴۶	۲۶۱۹	عودلاجان
۶۸۵	۱۵۲۴	بازار
۵۵۳	۱۶۹۵	سنگلج
۵۲۱	۱۸۰۲	چالمیدان
۱۲۸	۲۳۲	ارگ

جدول ۳ - تعداد خانه و دکان در هر محله در ۱۲۶۹

هر محله، طبق آمار ۱۲۶۹، به پاتق و گذر تقسیم می‌شد، که اغلب نام خاص نداشتند و با نام اشخاص سرشناس و یا ابنیه مهم و یا اقلیت ساکن در آن محل نامیده می‌شدند، مانند کوچه فرقانیها، گذر تکیه قاطرچیها، یا گذر ناصرالدین. در ۱۳۲۰ تعداد کوچه‌هایی که نامگذاری شده بودند، افزایش یافته بود، ولی باز هم بسیاری از محله‌ها با اشاره به شخص سرشناس و یا بنای معروف تعیین می‌شد، مانند کوچه حمام دوستعلی خان. جالب توجه است که اخصر علی شاه، پاتقها و گذرها را به نام پلیس مسئول محله نامیده است، مانند گذر ابراهیم پلیس در اطراف باسیتان، یا پاتق حاجی اسماعیل نایب. در ۱۲۶۹ ارگ، کوچکترین محله بود و داخل حصار قرار داشت که به وسیله پلی به شهر متصل می‌شد. شاه و خانواده سلطنتی و بعضی از شاهزادگان و رجال در خانه‌هایی که شامل چند دست ساختمان و باغ و غیره بود، زندگی می‌کردند. پس از قتل گریبایدوف، وزیر مختار روس در ۱۲۴۵، سفارت روس را به داخل ارگ منتقل کرد.^۱ خانه بعضی از درباریان معروف

۱. هینرش بروگشن، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه م. خدابخش، تهران ۱۳۶۸.

مانند معیرالممالک، داماد فتحعلیشاه و پدردوستعلی خان که بعداً با عصمت الدوله دختر ناصرالدین شاه ازدواج کرد، نیز در ارگ قرار داشت.^۱ خانه معیرالممالک شامل پنج دست بنا، دو حمام و دو طویله بود. مطابق رسم زمان^۲، معیرالممالک تعداد زیادی مستخدم، در حدود ۲۲ نفر، داشت که در عودلاجان و ارگ و سنگلج صاحبخانه بودند. از بین این عده، تنها دو نفرشان مستأجر داشتند که احتمالاً نشان دهنده رفاه نسبی آنان است. همچنین از جمله رجالی که در ارگ زندگی می‌کردند، حاجب الدوله، آجودان‌باشی مرحوم منوچهرخان (یکی از خواجگان معروف دوره فتحعلی شاه)^۳ بودند. شخصی نیز به نام میرزا یعقوب در ارگ زندگی می‌کرد، که احتمالاً پدر ملکم خان (از رجال بسیار معروف دوره ناصری) بود که در سفارت روس کار می‌کرد. تعدادی نیز از غلامان شاه، ساکن ارگ بودند.

در ۱۲۶۹ عودلاجان بزرگترین محله تهران بود. عده‌ای از شاهزادگان و کارمندان دولت در آنجا زندگی می‌کردند. یکی از این افراد صدراعظم میرزا آقاخان نوری بود که با عده زیادی از اقوام خود از جمله پسر، برادر، برادرزاده در این محل می‌زیستند. دکتر پولاک اتریشی، یکی از معلمان دارالفنون می‌نویسد که میرزا آقاخان و خانواده‌اش، خانه‌هایشان را نزدیک به هم ساخته بودند به طوری که تقریباً قسمتی از محله به آنها تعلق می‌گرفت. هفت سال بعد که میرزا آقاخان نوری معزول شد، آنجا به حالت خرابه درآمد.^۴ عزت الدوله خواهر ناصرالدین شاه نیز که زوجه امیر کبیر بود و بعداً با پسر نوری ازدواج کرد در عودلاجان زندگی می‌کرد و در آن محله، حمام و تکیه‌ای ساخته بود که در ۱۳۲۰، همچنان موجود بود و کوچه‌ای به نام او نامیده می‌شد.^۵ در ۱۲۶۹، عده‌ای از شاهزادگان مانند بهرام میرزا، سلطان

۱. آمار دارالخلافه، ص ۴۳.

۲. یکی از معلمان دارالفنون دکتر پولاک توضیحاتی راجع به تعداد مستخدمین رجال داده است (پولاک، ص ۱۶۶). ۳. آمار دارالخلافه، ص ۴۴. ۴. پولاک، ص ۴۵.

۵. آمار دارالخلافه، ص ۶۱۵.

مراد میرزا و پسران مرحوم عباس میرزا، ولیعهد، و بهاء‌الدوله در عودلاجان سکنی داشتند. عده‌ای یهودی و ارمنی نیز در این محله ساکن بودند^۱، یهودیان در این محله دارای معبدی بودند و به شغل زرگری اشتغال داشتند، اما بیشتر ارامنه میخانه و شراب‌فروشی داشتند. همچنین در این محله سفیر عثمانی نیز در خانه‌ای که متعلق به عبدالحسین خان جواهری بود، زندگی می‌کرد.^۲

محله بازار پس از ارگ کوچکترین محله بود، و بیشتر اهالی محله «بازاری» بودند، یعنی کسبه و تجاری که در بازار اشتغال داشتند^۳، و بقیه آنها را کارمندان دولت و اعیان تشکیل می‌دادند. فرخ‌خان امین‌الدوله، یکی از وزرای بنام دوره ناصرالدین شاه از جمله اعیان این محله بود^۴، و دکتر پولاک می‌نویسد که فرخ‌خان و خانواده‌اش صاحب قسمت بزرگی از این محله بودند.^۵ شاهزاده فرهاد میرزا، یکی دیگر از پسران مرحوم عباس میرزا، نیز در این محله زندگی می‌کرد و تا ۱۳۲۰ در آنجا بود. خانه امام جمعه نیز که از پنج دست تشکیل می‌شد با اطرافیان در این محل واقع بود.^۶

سفارت انگلیس در محله بازار واقع بود، و عده‌ای از کارمندان آن نیز در همان حوالی می‌زیستند. خارجیان دیگر نیز مانند مشاق فرنگی یا خیاط فرنگی در بازار زندگی می‌کردند. خانه برجیس صاحب، که روزنامه وقایع اتفاقیه را چاپ می‌کرد نیز، در گذر خداآفرین در این محل واقع بود.^۷ ریشارخان فرانسوی از معلمان دارالفنون نیز در این محله در خانه‌ای که از سمیو اجاره کرده بود، زندگی می‌کرد. سمیو، افسر فرانسوی نیمه ایتالیایی، در ۱۸۱۴ به ایران آمده و در محاصره هرات شرکت کرده بود. او در ۱۸۵۲ به دلیل بروز اختلاف بر سر حقوق‌اش، ایران را ترک کرد.^۸ تعدادی ارمنی نیز در

۱. همان، ص ۱۰۶-۱۰۸. ۲. همان، ص ۷۴. ۳. همان، ص ۱۲۷. ۴. همان، ص ۱۳۳.

۵. پولاک، ص ۴۵. ۶. آمار دارالخلافه، ص ۱۶۷. ۷. همان، ص ۱۴۲، ۱۵۲.

۸. همان، ص ۱۳۳. مکاتبات بارتولومئو سمیو با مقامات دولتی ایران به صورت دستنویس موجود است و از شرایط زندگانی و درگیریهای دولت در آن زمان، اطلاعات مفیدی به دست می‌دهد.

محلّه بازار بودند و نمازخانه‌ای داشتند.^۱ خانه‌های میرزاتقی خان امیرکبیر نیز که ملک‌التجار خریداری کرده بود، در این محلّه واقع بود.^۲ در این محلّه، دو مهمانخانه وجود داشت که احتمالاً برای خارجیان بود.^۳

سنگلج، از نظر اعیان و رجال، بهترین محلّه تهران محسوب می‌شد. در ۱۲۶۹ در این محلّه به ساختمان سازی اقدام کردند از جمله^۴ در گلوبندک تعدادی دکان ساختند که منجر به توسعه قسمتی از این محلّه شد. وزیر خارجه، میرزاسعیدخان^۵، و همچنین مستوفی الممالک و اطرافیان متعدد وی از آشتیان نیز در سنگلج ساکن بودند.^۶ دکتر پولاک نیز خانه‌ای از یک قاری، اجاره کرده بود و به عقیده او، اجاره خانه در تهران اندک نیست و بین ۲۰۰ الی ۳۶۵ تومان در سال است.^۷ در این محلّه عده‌ای از غلامان شاه نیز زندگی می‌کردند که احتمالاً به آنها زمین داده بودند، چنانکه طبق آمار ۱۲۶۹، خانه حاجی قربان بیک باروت کوب، «که [در] قورخانه قدیم بود، به مشارالیه مرحمت شده [بود] خانه ساخته [بود]»^۸. عده زیادی نیز از تراکمه و غلامان شاه در عودلاجان زندگی می‌کردند.

چالمیدان نیز محلّه بزرگی بود، ولی رجال سرشناس در آنجا زندگی نمی‌کردند، و معروف بود که آب و هوای بدی دارد و جمعیت آن نیز خشن و تندخو بودند. تعداد سرباز و توپچی و غلام در این محلّه زیاد بود.

۱. آمار دارالخلافه، ص ۱۳۹-۱۴۰. ۲. همان، ص ۱۶۵-۱۶۶. ۳. همان، ص ۱۵۶، ۱۶۲.
 ۴. همان، ص ۲۱۲-۲۱۳، ۲۳۷. ۵. همان، ص ۲۰۱.
 ۶. همان، ص ۲۳۳. مستوفی الممالک و اعضای خانواده او همه در این قسمت از شهر زندگی می‌کردند. او در این محلّه، زمینهای وسیع و دهات بسیار داشت. میرزا یوسف تفرشی از بستگان وی نیز در سنگلج می‌زیست. نسل بعدی او ثروتمندتر شدند، چنانکه پسر مستوفی که لقب پدر را به ارث برد و میرزا عیسی، پسر میرزا موسی که شغل وزارت تهران را داشت، در این محل صاحب زمینهای وسیعی بودند. یکی دیگر از بستگانشان، میرزا هدایت، وزیر دفتر بود که او نیز در سنگلج می‌زیست و در ۱۳۱۷، پسرش مصدق السلطنه دکانهای متعددی و یک بازارچه ساخت. (آمار دارالخلافه، ص ۲۳۰، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۵۸؛

Gurney, op. cit, p. 69.

۷. پولاک، ص ۶۸. ۸. آمار دارالخلافه، ص ۱۹۷.

آمار ۱۲۶۹ جمعیت هر محله را طبق وضع اجتماعی و شغلی به دو دسته تقسیم کرده است: «نوکر» که شامل مستخدمان اعیان یا کارمندان دولت می‌شد و «رعایا». محله بازار از این تقسیم‌بندی جداست و بیشتر اهالی را کسبه و تجار می‌نامیدند. در جدول ۴ و ۵ تعداد خانه‌هایی که به نوکران و رعایا تعلق داشت مشخص شده است. ارگ نیز در این تقسیم‌بندی متفاوت است، چون خانه‌ها را به عنوان خانه‌های امرا و خوانین، نوکر، علما، رعایا و ترکمان تقسیم کرده است.^۱

باب	جمعیت
۲۰۲۸	نوکر
۵۵۷۵	رعایا
۹۶	ارامنه
۴۴	ترکمان
۱۲۹	کلیمی

جدول ۴ - تعداد باب متعلق به گروه‌های مختلف در ۱۲۶۹

محلّه	نوکر	رعایا
عودلاجان	۹۵۸	۱۶۶۱
بازار	۳۰۲	۱۲۲۲
سنگلج	۷۵۱	۹۴۴
چالمیدان	۲۷۹	۱۵۲۳
ارگ	-	-

جدول ۵ - خانه‌های متعلق به نوکر و رعایا در هر محله

تقسیم جمعیت بین نوکر و رعایا کمک زیادی به شناخت ساخت جامعه در هر محله نمی‌کند، یعنی مشخص نیست که مثلاً خانه‌های اشراف و اعیان و افراد کم‌بضاعت، چگونه در کنار هم قرار می‌گرفتند. اقلیت‌های نژادی یا

مذهبی در یک محله، نزدیک به هم بودند، مانند کردبچه‌ها، خلیجها، افشارها در سنگلج^۱، یا آرامنه و یهودیان در عودلاجان^۲.

کمبود مسکن در تهران محسوس است و افراد مختلف، قسمتی از خانه خودشان را که احتمالاً فقط یک اتاق بود، اجاره می دادند. پولاک می نویسد: فقط غریبه‌ها و کسانی که محلی نبودند خانه اجاره می کردند. به نظر می رسد که خارجیان نیز بسیاری اوقات خانه اجاره می کردند. بعضی از افراد تا ۱۰ مستأجر داشتند و خود صاحبخانه با مستأجرین خود زندگی می کردند. ولی بازاریان و ثروتمندان به دلیل وضع مالی بهتر، مستأجر نداشتند. نجم‌الملک می نویسد: «تجار و ارباب قلم ... هیچ اجاره نشینی به خانه خود راه نمی دهند» و یک زن، یک یا دو طفل، یک کنیز، یک خدمتکار و یک نوکر یا خانه شاگرد داشتند. اقلیتهای مذهبی نیز ظاهراً مستأجر نداشتند.^۳

اکثر نوکران و مستخدمان، مستأجر داشتند که بدون شک به دلیل عدم کفاف حقوقشان برای زندگی، خانه‌هایشان را اجاره می دادند. البته استثنایی هست، مانند مستخدمان معیرالممالک، یا آشپز شاه در عودلاجان یا الماس بیگ، فراش باشی مهد علیا، مادر ناصرالدین شاه که مستأجر نداشتند.^۴

محلّه	نوکر	رعایا	کل
عودلاجان	۱۳۳	۴۹۸	۶۳۱
بازار	۳۳	۱۰۷	۱۴۰
سنگلج ^۵	۴۶۱	-	۴۶۱
چالمیدان	۶۵	۳۰۷	۳۷۲
ارگ	-	-	-
			۱۶۰۴

جدول ۶ - خانه‌های اجاره طبق گروههای اجتماعی در ۱۲۶۹

۵: آمار سنگلج در این مورد طبق بقیه آمار تهیه نشده است و تعداد نوکر و رعایا مشخص نیست.

۱. همان، ص ۲۰۴، ۲۳۸، ۲۴۲. ۲. همان، ص ۱۰۶-۱۰۷. ۳. همان، ص ۳۴۵.

۴. همان، ص ۱۵۸، ۲۳۹.

پولاک می‌نویسد، بسیاری از مستخدمان حقوق دریافت نمی‌کردند و به امید انعام زندگی می‌کردند. حقوق یک مستخدم که برای فرنگیها کار می‌کرد دو تومان و نیم در ماه بود و مستخدمان یک ایرانی بین ۸ الی ۱۰ تومان در سال بعلاوه مقداری گندم یا برنج و خوراک مجانی داشتند.^۱ بروکشن آلمانی که در ۱۸۶۰ در ایران بود لیست حقوقی را که مستخدمان دریافت می‌کردند، آورده است.^۲ طبق آمار نجم‌الملک در ۱۲۸۶، تعداد مردان خدمتکار ۱۰۵۶۸ و زنان خدمتکار ۳۸۰۲ نفر، غلام سیاه ۷۵۰ و کنیز ۲۵۲۵ نفر است.^۳

در این دوره ۲۰٪ خانه‌های تهران مستأجر داشت ولی در ارگ خانه‌ها اکثراً بدون مستأجر بود. در چالمیدان طبقه نوکر، بیشترین تعداد مستأجر (۲۳٪) را داشت، در عودلاجان برعکس بیشترین طبقه، رعایا بودند که مستأجر داشتند (۲۹٪). میانگین مستأجر در محلات مختلف از این قرار بود: عودلاجان ۲۴٪، محله بازار ۹٪، سنگلج ۲۷٪ و چالمیدان ۲۰٪.

محل	نوکر	رعایا	کل
عودلاجان	۲۶۹	۸۸۳	۱۱۵۲
بازار	۳۳	۱۰۷	۱۴۰
سنگلج	۹۲۴	-	۹۲۴
چالمیدان	۷۵	۴۹۳	۵۶۸
ارگ	-	-	-
جمع کل			۲۷۸۴

جدول ۷ - تعداد خانوار مستأجر در هر گروه اجتماعی در ۱۲۶۹

طبق آمار نجم‌الملک در ۱۲۸۶، ۳۰٪ جمعیتهای تهران، اجاره‌نشین بود، که نشان می‌دهد، وضع مسکن در این فاصله بدتر شده و خانه به اندازه کافی ساخته نشده بود. در واقع بین ۱۲۶۹ الی ۱۲۸۶، ۶۸۵ باب خانه ساخته شد،

۱. پولاک، ص ۱۶۶-۱۷۰. ۲. بروکشن، ص ۱۷۳. ۳. آمار دارالخلافه، ص ۳۴۷.

در حالیکه به جمعیت، ۲۱۳۰۴ نفر اضافه شده بود. تغییراتی که در این فاصله رخ داده در جدول ۸ مشخص شده است. در ۱۲۸۶ بالاترین تعداد اجاره‌نشینی در چالمیدان بود که فقیرترین محله و نیز در خارج از شهر واقع بود. در این فاصله وضع ارگ نیز تغییر کرده بود، و اجاره‌نشینی در آنجا نیز پیدا شده بود، در حالی که قبلاً بسیار قلیل بود.

محلّه	جمعیت	خانه
عودلاجان	۳۶۴۹۵	۲۵۵۸
بازار	۲۶۶۷۳	۱۴۸۸
سنگلج	۲۹۶۷۳	۱۹۶۹
چالمیدان	۳۴۵۴۷	۲۳۴۷
ارگ	۳۰۱۴	۱۹۵
خارج از شهر	۱۶۸۵۳	۱۰۲۴

جدول ۸ - تحولات تهران در ۱۲۸۶ در هر محلّه

آمار ۱۳۲۰ درباره اجاره‌نشینی مطلبی ندارد، ولی باید تصور کرد که همین روند ادامه داشته است. در این زمان به مالکیت مشترک خانه برمی‌خوریم، همچنین تعدادی از افراد، بیشتر از یک خانه داشتند ولی در همه موارد مشخص نیست که این خانه‌ها چند دست بوده‌اند، عده‌ای نیز صاحب چند خانه در محلات مختلف شهر بودند، مانند شمس‌المعالی که یک خانه در دولت، دو خانه در سنگلج و دو خانه در محله بازار داشت.^۱ زنان، کمتر صاحب ملک شهری چه خانه و چه دکان بودند. بعضی زنان که به عنوان صاحبخانه نامیده شده‌اند، اغلب بیوه، خواهر یا مادر مردی بودند. در ۱۲۶۹، ۱٪ خانه‌ها به زنان تعلق داشت و در مورد دکان این رقم

۱. همان، ص ۳۶۳، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۵۳. سه تن از دختران شمس‌المعالی در دوره انقلاب مشروطه، به تأسیس مدارس دخترانه پرداختند و خانه‌های پدرشان را تبدیل به مدرسه کردند. (روزنامه ایران نو، ش ۱۹، سال ۱۳۲۷ ق.)

کمتر است. بعضی از صاحبان خانه‌ها را به نام نامیده‌اند، مانند گلرخ یا زلیخای کرمانی،^۱ که در عودلاجان زندگی می‌کردند.

از زنان برخی صاحب شغل بودند، مانند ملا شهربانو، ضعیفه دارو چشم کن^۲، سکینه خانم گیس سفید اندرون^۳ یا ضعیفه دلاله.^۴ بعضی را به عنوان ضعیفه نامیده‌اند، مانند ضعیفه کاشی که خانه‌اش را در بازار به نقاره‌چی اجاره داده بود و ضعیفه اصفهانیه^۵، و بعضی زنان حاجیه یا ملاباجی بودند. ظاهراً زنان محترم را به نام نمی‌نامیدند. طبق آمار نجم‌الملک در ۱۲۸۶، تعداد ۴۶۰۶۳ نفر زنان محترمه و زنان تجار، ۲۵۲۵ کنیز و ۳۸۰۲ خدمتکار بودند.^۶

در ۱۳۲۰ تعداد زنان که صاحب خانه بودند به ۳/۵٪ افزایش یافته بود که شاید بستگی به رشد ثروت یا آزادی بیشتر داشت، ولی اصل ثروت زنان تغییری نکرده بود. در این وقت تعدادی از زنان ناصرالدین شاه که در ۱۳۱۳ به قتل رسید در محلات مختلف شهر زندگی می‌کردند، پنج نفر در محله دولت، دو نفر در سنگلج، یک نفر در عودلاجان و یک نفر در محله دولت نامیده شده‌اند. تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین شاه تعریف می‌کند که هنگام مرگ پدرش زنانی را که فرزند نداشتند از قصر بیرون رانده بودند.^۷

در ۱۳۲۰ تعداد بیشتری از زنان صاحب دکان و کاروانسرا شده بودند^۸ که امکان دارد مهریه یا ارث آنها بوده باشد، انیس الدوله یکی از سوگلیهای

۱. همان، ص ۷۸. ۲. همان، ص ۹۷. ۳. همان، ص ۸۲. ۴. همان، ص ۱۰۰.

۵. همان، ص ۱۴۵. ۶. همان، ص ۳۴۷.

۷. خاطرات تاج‌السلطنه، به کوشش منصوره اتحادیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱، ص ۶۶. جالب توجه است که هنگام انقلاب مشروطه وقتی حقوقها را در مجلس شورای ملی کسر کردند، زنان ناصرالدین شاه مرحوم به مجلس آمده، متحصن شدند و عریضه نوشتند که «... حقوق ما آنقدرها نیست، بر فرض کسر شود از تمام هزار و پانصد تومان است... از عمر ما هم چیزی باقی نمانده و املاک نداریم که فروخته خرج نماییم...» ولی جواب وکلا منفی بود، مذاکرات مجلس اول، ص ۴۰۰-۳۹۹. در باره زنان شاه. ۸. آمار دارالخلافه، ص ۵۵۳.

ناصرالدین شاه در محله بازار پنج دکان داشت.^۱ بعضی زنان دکان و تکیه و مدرسه وقف کرده بودند مانند مدرسه‌ای که مهد علیا ساخته بود.^۲ بعضی از زنان صاحب تعدادی دکان بودند، مانند سروردوله^۳ دختر سلطان مراد میرزا و عصمت‌الدوله دختر ناصرالدین شاه و زن معیرالممالک که بازار ارسی دوزها متعلق به او بود. تعدادی از زنان نیز سفر حج رفته بودند. بعضی از زنان بسیار فقیر بودند مانند زهرا غازچران یا فاطمه مرده شور. عده‌ای سیاه پوست بودند، احتمالاً کنیزانی بودند که آزاد شده و صاحب خانه بودند، مانند دده سیاه و کنیز سیاه انیس‌الدوله در سنگلج و گلین سیاه در محله بازار در سنگلج که صاحب خانه بودند.^۴ بعضی زنان صاحب شغل بودند، مانند معلمی، دلاکی، مرده‌شوری یا دلالی.



آمار اخضرعلی شاه که در ۱۳۲۰ پایان یافت، تغییرات تهران را از ۱۲۸۶ به بعد بخوبی نشان می‌دهد. در این مدت رشد تهران سریعتر شده بود، و هر سال حدود ۲۵۰ خانه ساخته می‌شد. جدول ۹ تعداد خانه‌ها، حمامها و غیره را در ۱۳۲۰ نشان می‌دهد. شهر هنوز از پنج محله تشکیل می‌شد، ارگ از بین رفته بود، و به جای آن، محله دولت، که نامش از دروازه دولت در شمال ارگ گرفته شده است، رشد کرده بود،^۵ درحالی که عودلاجان خیلی کوچک شده بود و فقط ۴۹۴ خانه داشت. قسمتی از عودلاجان، مانند محله عربها، در این دوره جزو چالمیدان محسوب می‌شد، و حیاط شاهی و سرچشمه، جزء محله دولت درآمد. خیابان امین حضور بین دولت و عودلاجان تقسیم شده بود. خانه‌های حاجی حسین آقا امین‌الضرب، تاجر معروف و ثروتمند دوره ناصری در این محل قرار داشت.^۶

۱. همان، ص ۵۱۶. ۲. همان، ص ۴۰۷. ۳. همان، ص ۴۲۸، ۴۳۳.

۴. همان، ص ۴۹۰، ۵۲۱. ۵. همان، ص ۳۶۰-۴۱۹. ۶. همان، ص ۳۱۶.

محل	تعداد
خانه	۱۵۳۷۵
دکاکین	۹۴۲۵
حمام عمومی	۱۸۲
کاروانسرا	۱۸۶
مسجد و مدرسه	۸۰
تکیه	۴۳

جدول ۹

عده زیادی از ثروتمندان و شاهزادگان به محله دولت تغییر مکان دادند، مانند، حسام السلطنه، ظل السلطان، معیر الممالک، عین الدوله، مشیرالدوله و عزیزالسلطان و بسیاری دیگر از رجال سفارت روس نیز به خیابان چراغ گاز منتقل شدند، همینطور سفارت انگلیس، عثمانی و آلمان، بانک روس و بانک شاهی بیمارستان بیگی دنیا، مقبره صفی علیشاه نیز در دولت بود.^۱ مدرسه مروی نیز که در دوره مشروطه باعث کشمکش بین شیخ فضل الله نوری و آیت الله بهبهانی بود و مسجد سپهسالار و دارالفنون در محله دولت قرار داشت. دولت در واقع محله بسیار بزرگی شده بود با ده پاتق و بیشترین تعداد دکان با خیابانهای وسیع کالسکه رو و خانههای اعیان نشین با فضای سبز و باغ.^۲ زرتشتیان نیز در محله دولت مستقر شده بودند. عده‌ای از رجال و افراد سرشناس در محله دولت سرمایه‌گذاری کرده بودند، مانند علاءالدوله که در خیابان جبه خانه، در محله دولت صاحب ۱۳۵ دکان بود.^۳ سنگلج نیز رشد کرده اکنون، بزرگترین محله مسکونی تهران شده بود.

۱. همان، ص ۳۹۵، ۳۷۰، ۳۹۱، ۳۹۶-۳۹۷، ۴۰۱.

2. Gurney, op.cit, p.53.

۳. آمار دارالخلافه، ص ۴۲۱.

سنگلج از نه پاتق تشکیل می‌شد و هنوز مقر اعیان و شاهزادگان بود. حتی گذری به نام گذر شاهزاده،^۱ در این محله بود، ولی بسیاری از پاتقاها و گذرها به همان نام قبلی و قدیمی نامیده می‌شدند، مانند کوچه کردبچه‌ها یا دباغ‌خانه، یا درخون‌گاه یا آب پخش‌کن. مانند گذشته هنوز در سنگلج تعداد زیادی باغ، مانند باغ امیریه، باغ منیریه، باغ جنت و زمینهای آزاد بود که در نقشه‌ای که نجم‌الملک در ۱۳۰۹ ترسیم کرده، مشخص است.^۲

سفارت فرانسه و کلیسای پروتستانها و همچنین خانه آقا شیخ هادی،^۳ از روحانیان بسیار معروف، در این محله بود (کوچه آقا شیخ هادی به همان نام هنوز باقی است). همینطور خانه‌های نظام‌السلطنه و بعضی از اقوام او، تا ۱۳۷۰ ش در همان محل، باقی مانده بود.

محله بازار از نه پاتق تشکیل می‌شد. هرچند که این محله رشد کرده بود، ولی نسبت به سنگلج و دولت کوچکتر بود. در جنوب این محله، زمینهای گچی و کوره‌پزی و آجرپزی و زمینهایی بود که در نقشه نجم‌الملک بخوبی مشخص است، و محل مورد علاقه رجال و ثروتمندان نبود.

بیشتر جمعیت این محله را بازاریها تشکیل می‌دادند، و اروپاییان، این محله را ترک کرده بودند. هنوز عده‌ای ارمنی و یهودی و گبر در بازار مقیم بودند و آرامنه در آنجا کلیسایی داشتند.^۴ این محله نسبت به ۱۲۶۹ زیاد تغییر نکرده بود. پاتق ملک آباد، خداآفرین، پامنا و کوچه غربیان مانند سابق موجود بودند. بعضی از کاروانسراها هم با همان نام وجود داشتند که البته صاحبانشان تغییر کرده بودند، مانند کاروانسرای گردن کج، دالان دراز، عبدالوهاب و زمان خان. بعضی از خانواده‌های قدیم در همان محل زندگی می‌کردند مانند اعقاب فرخ خان^۵ و فرهاد میرزا معتمدالدوله که کماکان در گذر هفت تن خانه داشت.^۶ به نظر می‌رسد که عده زیادی در این وقت در این

۱. همان، ص ۴۹۹. ۲. این نقشه توسط صحاب به چاپ رسیده و در دسترس است.

۳. آمار دارالخلافه، ص ۴۲۶، ۴۴۲. ۴. همان، ص ۵۳۰، ۵۳۳-۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۶.

۵. همان، ص ۵۳۱. ۶. همان، ۵۱۹.

محلّه فوت شده بودند، چون اشارات زیاد به ورثه هست.^۱

چالمیدان از شش پاتق تشکیل می‌شد و بعد از سنگلج بزرگترین محلّه محسوب می‌شد. در چالمیدان مانند گذشته ابنیه بنامی وجود نداشت، بجز کار راه آهن و انبار گندم که در کنار دروازه قدیم شاه عبدالعظیم^۲ قرار داشت و سربازخانه‌ای نیز نزدیک انبار گندم بود.^۳ صدراعظم امین السلطان میدان بزرگی با ۱۷۵ دکان ساخته بود که به نام او معروف بود^۴ و امین‌الضرب که ضرابخانه تهران را به اجاره داشت در آنجا صاحب کاروانسرای بود.

بعضی از پاتقها تغییر نکرده بود، مانند سرپولک، حمام خانم و باغ پسته یا بسته. چالمیدان فقیرترین محلات به نظر می‌رسید و علی‌رغم افزایش خانه، نسبت خانه به حمام ۱۲۰ است در حالی که در سال ۱۲۶۹، ۱۱۶ بود. این امکان هست که عده‌ای از اشخاصی که آنجا کار می‌کردند، در همان محلّه زندگی نمی‌کردند.^۵

عودلاجان با پنج پاتق نسبت به سایر محلات بیشترین تغییر را کرده بود و چنانکه گفته شد از قبل کوچکتر شده بود. در ۱۲۸۶ نیز طبق آمار نجم‌الملک، تعداد ۴۴ خانه از سال ۱۲۶۹ کمتر شده بود که نشان می‌دهد این محلّه در حال رکود بوده است. تعداد کمی از اعیان در این محل زندگی می‌کردند^۶ یا در این دوره که قسمتهایی از این محلّه جزو محلّه دولت شده بود، در بین ساکنان آن محل بودند. همچنین مانند گذشته جمعیت زیادی یهودی در عودلاجان سکنی داشتند.^۷

در نقشه‌ای که نجم‌الملک در ۱۳۰۹ تهیه کرده بود، تغییرات تهران مشاهده می‌شود. زمینهای زیادی در شمال و بخصوص در غرب در محدوده

۱. همان، ص ۵۱۹-۵۲۵. ۲. همان، ص ۵۹۹. ۳. همان، ص ۶۰۱.

۴. همان، ص ۶۱۲.

5. M. Etehadieh, "Patterns in urban development, the growth of Tehran, 1852-1903, Qajar Iran", ed. E. Bosworth, C. Hillenbrand, pp. 202-203.

۶. آمار دارالخلافه، ص ۶۱۵. ۷. همان، ص ۴۴، ۶۴۱.

جدید شهر قرار داشت. همچنین زمینهای بایر و باغها که متعلق به رجال و وزرا بود. دو نفر از ملاکین بزرگ، مستوفی الممالک و یکی از اقوام او میرزا عیسی وزیر، وزیر تهران و رئیس «خالصجات» بود. البته تملک زمینهای این حدود توسط این دو نفر به منظور استفاده آتی بود،^۱ خانواده مستوفی الممالک، در ۱۲۶۹ در سنگلج زندگی می کردند و صاحب چندین دست خانه بودند. عده ای از اطرافیان و اقوام او نیز در همان حوالی، چنانکه قبلاً توضیح داده شد، ساکن بودند. پسرش که لقب و سمت او را در ۱۳۰۳ به ارث برد، صاحب زمینهای وسیعی در سنگلج شد و یکی از ملاکان بزرگ تهران به شمار می رفت.^۲

به نظر می رسد که در ۱۳۲۰ رجال تهران نسبت به نیم قرن پیش ثروتمندتر شده بودند. ظل السلطان، پسر ناصرالدین شاه، صاحب چندین خانه در دولت و کاروانسرا، باغ و دکانهای متعددی در نقاط مختلف شهر بود.^۳ برادر وی نایب السلطنه، هشت خانه در سنگلج داشت و دو تن از زنانش نیز در آن محله منزل داشتند.^۴ امین الدوله، صدراعظم اوایل سلطنت مظفرالدین شاه، یکی دیگر از رجال ثروتمند بود.^۵ همچنین قوام الدوله خانه ای در سنگلج با دو باغ، یک طویله، حمام، کالسکه خانه، کاروانسرا و ۲۷ دکان داشت.^۶ علاء الدوله نیز از ثروتمندان بنام بود که صاحب کاروانسرای ملاعلی در بازار و تعداد بسیاری دکان در محله دولت بود. ملک آرا نیز دکانهای زیادی در بازار داشت و امین السلطان صاحب دکانهای بسیاری بود از جمله در محله دولت.^۷

به نظر می رسد که در ۱۳۲۰ شرایط زندگانی نسبت به گذشته چندان تغییری نکرده است. بسیاری از خانواده ها در همان محلات سابق زندگی

1. Gurney, pp. 67-69.

۲. آمار دارالخلافه، ص ۲۳۳. ۳. همان، ص ۳۷۵، ۳۸۸-۳۸۹. ۴. همان، ص ۴۲۹-۴۳۰.

۵. همان، ص ۳۹۸ (میرزا علی خان امین الدوله از ۱۳۱۴ الی ۱۳۱۶ صدراعظم بود).

۶. همان، ص ۴۴۵، ۴۴۷-۴۴۸، ۴۵۷، ۵۱۳. ۷. همان، ص ۵۰۹.

می‌کردند، اغنیا هنوز تعداد بسیاری نوکر و مستخدم داشتند که نزد اربابشان زندگی می‌کردند. گروه‌های نژادی، مذهبی و قومی نیز همچنان دور هم زندگی می‌کردند.^۱ افراد یک خانواده نیز اغلب نزدیک بهم می‌زیستند. مانند علاءالدوله و احتشام السلطنه یا ناصرالدوله و فرمانفرما و خواهرانشان، نجم السلطنه و حضرت علیا که همگی در سنگلج بودند.^۲ پدرشان فیروز میرزا، پسر عباس میرزا، خانه‌های شاهزاده موجولی میرزا و محمدبیک را در حوالی باغ الوند، خریده بود.^۳ فرمانفرما بعداً زمینهای زیادی را در این محله به ارث برد و مقادیری نیز خودش خریداری کرد و قناتی را در غرب تهران احداث کرد که همچنان بعد از او به نام او معروف بود.

عده‌ای از اهالی شهر بسیار فقیر بودند، مانند، سوخته‌کشاها، غسالها، زالفروشها، و افرادی که در خانه‌های سوخته زندگی می‌کردند. عده‌ای نیز دیوانه و کور بودند. دو نفر دست بریده نیز که شاید دزد بوده‌اند، در شهر زندگی می‌کردند.^۴

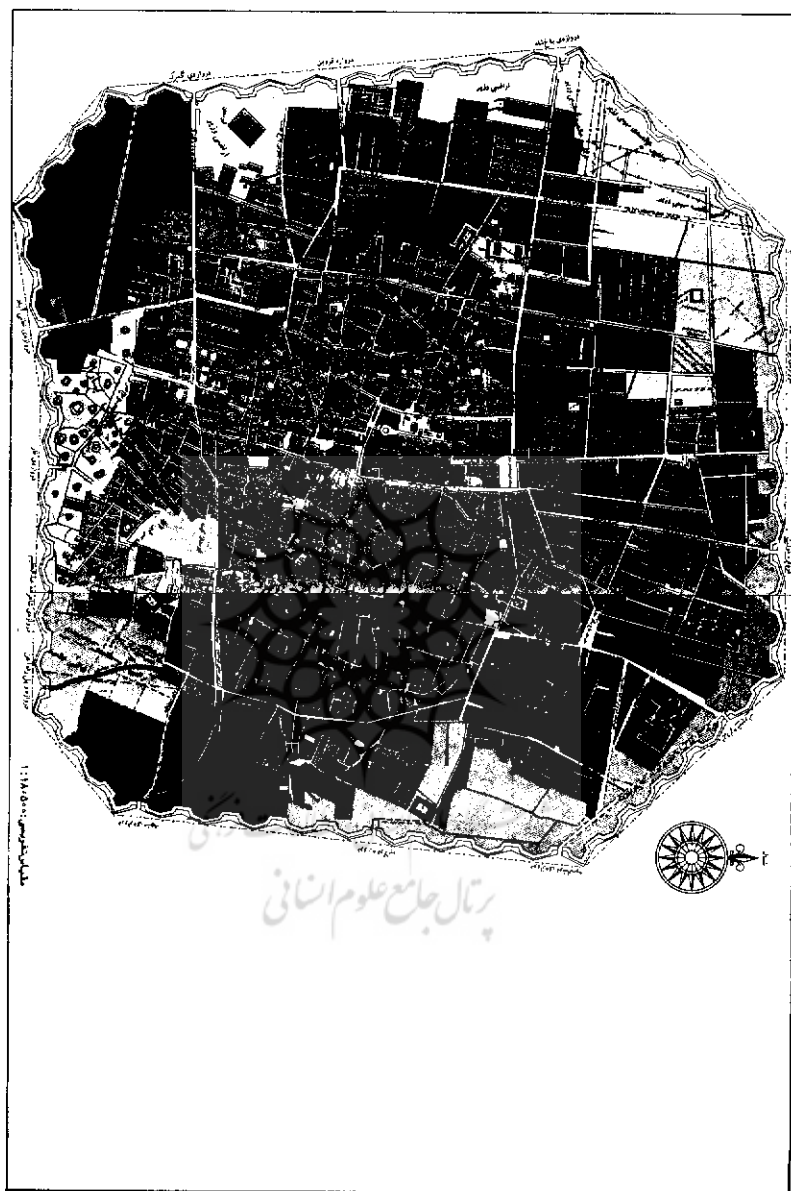
به طور کل کیفیت زندگانی، که مدیون وسایل جدید بود، بهتر شده بود. مانند بهره‌برداری از گاز و برق برای روشنایی، مریضخانه و دواسازی و تلگراف و افزایش تعداد حمام نسبت به دکان، ولی از تعداد مدرسه و مسجد (مدارس قدیم که وابسته به مساجد بودند) کاسته شده بود، شاید به دلیل اینکه مدرسه‌های غیردینی و جدید بیشتر مورد نظر بود. مدارس جدید به ابتکار عده‌ای از رجال مانند امین‌الدوله در این دوره ایجاد شد، چنانکه امین‌الدوله خانه خودش را تبدیل به مدرسه کرده بود.^۵

۱. برای مثال، در ۱۳۱۷ مانند ۱۲۶۹، قاجارها در عودلاجان بودند و کوچهای به نام آنها نامیده می‌شد. در ۱۳۱۷ کوچه کرد بچه‌ها نیز همچنان باقی بود.

۲. همان، ص ۳۹۹، ۴۲۷، ۴۴۳، ۴۶۳، ۴۷۰، ۴۸۵. ۳. همان، ص ۲۳۱.

۴. اسامی یا کتیبه بعضی افراد جالب توجه است که مانند بدبله آقا، (همان، ص ۳۶۷)، علی‌خان ریش بلند (همان، ص ۳۶۶)، سید حسن جیمناسکی (همان، ص ۳۷۶) ضعیف‌شش انگشتی. اسامی غیراسلامی زیاد نیست، ولی اغلب، اسامی شاهنامه‌اند مانند، اسفندیار و رستم و حتی زال محمد (همان، ص ۱۳۸).

۵. رشیدی، شمس‌الدین، سوانح عمر، تهران ۱۳۶۲ اغلب صفحات.



اطلس کامل شهر تهران

نقشه ۲ - نقشه تهران در سال ۱۳۰۹ ه.ق.

تعداد تکایا در کل نسبت به قبل کمتر بود، ولی دولت که محله تازه‌ای بود، هفت تکیه داشت و در سنگلج تعداد تکایا از دوه‌به‌نُه افزایش یافته بود. این افزایش جالب توجه ممکن است یا به ثروت بیشتر اهالی این دو محله برگردد یا به فعالیت سیاسی که در این وقت آغاز شده بود، چون تکیه، محل مناسبی برای این نوع فعالیتها بود و نباید فراموش کرد که آمار اخضرعلی شاه تقریباً چهار سال قبل از آغاز انقلاب مشروطه به پایان رسیده است.^۱

هر محله‌ای دکانهای ویژه خودش را داشت. اغلب اجناس در همان محل ساخته می‌شد و به فروش می‌رسید. طبق آمار ۱۲۶۹، مالکیت دکانها متفاوت بود، بعضی از کسبه صاحب دکان خودشان بودند و یک یا چند دکان داشتند که به اجاره می‌دادند. بعضی از تجار، صاحب تعدادی دکان بودند مانند، آقا مهدی نواب یکی از تجار ثروتمند بازار که ۲۲ دکان در بازار و بیست دکان در چالمیدان داشت، در محله بازار خانه‌ای به میرزا ابراهیم زنجانی اجاره داده بود، شش دکان نیز در عودلاجان داشت. و زن او در ۱۳۲۰ هنوز دوازده دکان در بازارچه نواب داشت. دو نفر دیگر از تجار ثروتمند، حاجی عبدالوهاب و حاجی کلاهدوز بودند که در این وقت بیشتر سرمایه‌گذاری در دکان، توسط تجاری که پول نقد داشتند، انجام می‌گرفت.

تال مایع علم انسانی

۱. تجار گروه مشخصی را تشکیل می‌دادند که به علل بسیار، از شرایط موجود بویژه از تسنط سیاسی اقتصادی خارجیان ناراضی بودند و از حمایت علما نیز برخوردار بودند. در ۱۳۲۲ آنان در سفارت انگلیس متحصن شدند تا سرانجام مظفرالدین شاه، به خواسته‌هایشان پاسخ داد و فرمان مشروطه را صادر کرد. تأسیس مجلس شورای ملی فقط آغاز این حرکت بود که بمرور به رهبری عده‌ای انقلابی، شدت یافت. گروههای انقلابی انجمنهایی تشکیل دادند و به تهج مردم پرداختند و اهدافشان را تدریجاً بروز دادند. این تندروها موجب درگیری با محمدعلی شاه و عده‌ای از علمای محافظه‌کار شد، که بالاخره منجر به برانداختن مجلس شد. بعضی از انجمنهای انقلابی، مانند انجمن برادران دروازه قزوین، و دروازه دولت در محله سنگلج بودند. از دیگر انجمنهای انقلابی، انجمن آذربایجان، مظفری و شاه‌آباد است که در محله دولت قرار داشتند؛

M. Etchadieh, "Pattern in urban Development...", pp. 202, 210, footnote 25;

منصوره اتحادیه (نظام‌مافی)، پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت، دوره اول و دوم مجلس شورای ملی، تهران ۱۳۶۱، ص ۱۴۹-۱۷۰.

بعضی از رجال نیز در نقاط مختلف شهر صاحب دکان بودند، مانند فخرالادبء که در گذر عودلاجان صاحب پنج دکان بود و ده دکان نیز در پامنار داشت. معیرالممالک، دو دکان در عودلاجان داشت و یکی از نوکران او صاحب چهار دکان بود.^۱ آغا بهرام خواجه هیجده باب و منوچهرخان ۳۸ دکان داشت.^۲ بیشترین تعداد دکانهای بازار، ۹۵ باب یا ۷/۵٪ متعلق به شاه بود.^۳

علما نیز در دکان سرمایه گذاری می کردند. از آن جمله شیخ رضا^۴ بود که تعداد بسیاری دکان داشت و نیز دکانهای شاه و اوقاف بازار را اداره می کرد.^۵ نجم الملک اطلاعات زیادی از دکانها نمی دهد ولی می توان بین این آمار و آمار ۱۳۲۰ مقایسه انجام داد.^۶ نسبت خانه به دکان در ۱۳۲۰ تغییر کرده بود و تعداد دکان ۹۴۲۰ شده بود که ۲/۲ برابر ۱۲۶۹ بود، در صورتیکه خانه ۱۹ برابر شده بود. میانگین تعداد دکانی که به یک نفر تعلق داشت از ۱۲۶۹ تا ۱۳۲۰، از سه به پنج رسیده بود.

تعداد بسیاری از مردم برای دکان سرمایه گذاری کرده بودند که همه از طبقه تجار نبودند، مثلاً، معیرالممالک صاحب ۸۵ دکان در سنگلج بود و با چند نفر از تجار ۶۲ دکان در محله بازار داشت.^۷ اعقاب دکتر هاشم علی خان و حسام خان سرتیپ، ۴۵ دکان در بازار داشتند و صدراعظم نیز ۶۵ دکان در همان محله^۸ داشت. عصمت الدوله دختر شاه، ۱۰۲ دکان داشت و بازار ثقه فروشها و تعدادی دکان متعلق به بهرام خان حضرت علیا بود.^۹

۱. آمار دارالخلافه، ص ۱۲۲. ۲. همان، ص ۱۱۵، ۱۸۱-۱۸۲.

۳. همان، ص ۳۰۵-۳۲۲.

۴. اعتمادالسلطنه، محمدحسن، المآثر و الآثار، تهران ۱۳۶۳، ص ۱۷۶.

۵. آمار دارالخلافه، ص ۳۰۵-۳۲۲.

۶. آمار سال ۱۲۸۶، تعداد دکانها، بجز نانوايها، را مشخص نکرده است. تعداد نانوايی از ۱۹۹ در ۱۲۶۹ به ۱۷۰ تنزل کرده است که شاید به دلیل قحطی سالهای ۱۲۷۸ و وبای ۱۲۸۶ بوده باشد (همان، ص ۳۵۰).

۷. همان، ص ۴۵۹، ۴۶۷، ۵۵۳. ۸. همان، ص ۵۱۳، ۵۵۲.

۹. همان، ۵۵۳.

علما نیز مانند سابق صاحب دکان بودند. از آن جمله، امام جمعه که ۴۷ دکان در محله بازار داشت^۱ و شیخ فضل الله یکی دیگر از علمای ثروتمند بود^۲ که در عودلاجان زندگی می کرد و صاحب دو کاروانسرا بود. همچنین با سلطان العلماء شش دکان داشتند. سلطان العلماء پنجاه باب دکان دیگر نیز داشت.^۳ البته همه علما چنین ثروتمند نبودند مثلاً، میرزا بزرگ پیشنماز و آقا مهدی مجتهد، صاحب چند دکان بودند.

زمانی که در ۱۲۱۲، تهران به عنوان پایتخت ایران انتخاب شد، هیچ صنعت قابل توجهی نداشت. تبریز، اصفهان، کاشان، همدان از این جهت نسبت به تهران ارجح بودند.^۴ بنابراین در ۱۲۶۹ بازار تهران (جدا از محله بازار) کوچک و بسیار ناچیز بود. بازار بین پنج محله شهر قرار داشت و دارای ۱۲۳۶ یا ۳۲٪ از دکانهای شهر بود با هفده کاروانسرا و سه تیمچه (در آمار ۱۳۲۰ بازار و محله بازار مشترکاً محاسبه شده اند). نخستین اقدام را برای پیشرفت اقتصاد و صنعت تهران امیرکبیر انجام داد. امیر کاروانسرا، بازار و تعدادی کارخانه مانند کاغذسازی و بلورسازی و جبه خانه ساخت،^۵ ولی بنا به گفته پولاک اکثراً ناموفق بودند.^۶ طبق آمار ۱۲۶۹ در بازار تهران فعالیت ساختمانی زیاد بود مثلاً، بازار دولت را با ۱۰۸ دکان ساختند و کاروانسرای جدید محله دولت دو طبقه و بزرگ بود با پنج باب و ۳۶۷ دکان.

در ۱۲۶۹ فعالیت اقتصادی بازار ساختن و فروش اجناس و آذوقه بود، علاوه بر فعالیتهای مذهبی فرهنگی و ورزشی، ۲۳٪ فعالیت اقتصادی بازار، فروش اجناس بود، ۱۸٪ آذوقه و ۴۸٪ تولید اجناس. بعضی اجناس فقط در بازار به فروش می رفت مانند پارچه (نود دکان بزازی بود). اجناس دیگری که

۱. همان، ص ۵۲۵. ۲. همان، ص ۵۵۴، ۵۵۶. ۳. همان، ص ۵۲۶، ۵۵۴.

۴. پولاک، ص ۳۹۰-۳۹۲؛ تجارت تهران نیز در نیمه سده سیزدهم / نوزدهم از رونق بسیار برخوردار نبود. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: گزارش ابات، کنسول انگلیس، منقول در:

C. Issawi, Economic History of Iran 1800-1914, Chicago 1971, pp. 118-120.

۵. فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، تهران ۱۳۴۸، ص ۳۷۸-۴۰۲. ۶. پولاک، ص ۶۶.

فقط در بازار به فروش می‌رفت، کلاه، عرق چین، بلور و چیت بود، بعضی اجناس فقط در بازار ساخته می‌شد، مانند اجناس فلزی. آمار ۱۲۶۹ بخوبی نشان می‌دهد که مردم چه می‌خوردند، چه مشاغلی داشتند و چه وسایلی را مصرف می‌کردند. مثلاً جالب توجه است که در حالی که ۱۰۹ دکان تنباکوفروشی هست، فقط ۸۹ دکان قصابی بود و ۹۸ دکان سبزی فروشی. بیشترین تعداد، دکانهای فروش مواد خوراکی را تشکیل می‌دادند که عبارت بود از ۵۳۲ باب، عطاری ۲۱۳ و نانوايي ۱۹۹ از کل ۳۷۹۲۱ باب دکان بود (دکانهای باز). ۱۳۵۴ باب یا ۳۵٪، دکانهای فروش آذوقه بودند. ضمناً تعدادی از دکانها موقوفه بودند (جدول ۱۰).

محلّه	تعداد دکان	تعداد وقف	درصد
عودلاجان	۱۱۴۶	۱۲۱	٪۱۰/۵
بازار	۶۸۹	۱۶۹	٪۲۴/۵
سنگلج	۵۵۳	۶۶	٪۱۱/۹
چالمیدان	۵۱۲	۲۴	٪۵/۸
ارگ	۱۱۸	۲۷	٪۲۲
خودبازار	۱۲۳۶	۱۴۳	٪۱۲/۵

جدول ۱۰ - تعداد دکانهای وقفي در هر محلّه در ۱۲۶۹

در این آمار مشاغل عمده مردم نیز مشخص می‌شود که از آن جمله فروشندگی، صنعت و تجارت، امور مذهبی، خدمتکاری و سربازی بود و نیز مشاغلی را که می‌توان خدمات نامید مانند، حمامی، سلمانی، نقاشی، خیاطی، طب، جارچی، برده فروشی، فیل بانی، کف بینی، بنایی، کهنه فروشی، کفن نویسی و غیره.

در ۱۳۲۰ مشاغل جامعه از جهت نوع، تفاوتی نکرده بود و هنوز تعداد زیادی خرکچی، مطرب، مرده شور، معلم، درویش و بنا بودند. البته مشاغل

جدیدی نیز به وجود آمده بود، مانند نفت فروشی، تلگرافچی، پستی و کارمندان خط آهن و گمرکات. عده‌ای نیز در کارخانه‌های خارجی اشتغال یافته بودند. چندین دکان، اجناس خارجی می‌فروختند و «مغازه» نامیده می‌شدند، یکی از آنها در میدان توپخانه بود.^۱ چندین قهوه‌خانه، سیگارفروشی، دواخانه و عکاسخانه نیز در ۱۳۲۰ در تهران وجود داشت.

شرایط زندگانی مردم تهران در این دوره تحول یافته و پیشرفت کرده بود. توسعه تهران از صورت شهری کوچک و فاقد مزیت در ۱۲۶۹، بکندی صورت گرفت و تکرار قحطی و شیوع بیماری مانع رشد آن می‌شد، ولی در عین حال، مهاجرت از سایر نقاط ادامه داشت و به دلیل قرار داشتن دربار در این شهر رشد و توسعه یافت.

در ۱۳۲۰ تعداد زیادی بنا در شهر ساخته شده و نه تنها تعداد افراد ثروتمند افزایش یافته بود، بلکه میزان دارایی ثروتمندان نیز افزوده شده بود. در این دوره با وجود رشد ثروت در این شهر، تهران هیچگاه صاحب صنعت و تجارت قابل ملاحظه و خاصی نشد. هرچند که فعالیت اقتصادی پیشرفت کرد، ولی تهران هنوز به مرکز تجارت خارجی ایران تبدیل نشده بود.

در این دوره کیفیت زندگی اغنیاء رشد کرده ولی از لحاظ صنعت و پیشه‌وری و حرفه تفاوت چندانی با قبل نکرده بود. اکنون بعضی از خیابانهای تهران دارای گاز یا برق شده بود، دو بانک خارجی، تلگراف و پست آغاز به کار کرده بود. شرکتهای خارجی شعب خود را باز کردند، و بریگاد قزاق تحت اداره افسران روسی، نقش مهمی در سیاست و امور نظامی ایفا می‌کرد و پلیس جدید تهران تحت اداره کنت دومنت فرت رییس نیمه بلژیکی نیمه اتریشی که در سفارتخانه استخدام شده بود، امنیت شهر را

تضمین می‌کرد.^۱ سفارتخانه‌های دائمی در تهران باز شده بود، و تعدادی اطبای تحصیل‌کرده خارج و داخل و چند دواخانه نیز آغاز به کار کرده بودند. راه آهن، تهران را به شاه عبدالعظیم متصل می‌کرد، و راه‌های کالسکه رو ساخته شده بود.

چنانکه قبلاً اشاره شد، آمار اخضرعلی شاه چند سال قبل از آغاز سلطنت، مشروطه انجام گرفت، بنابراین شرایط اجتماعی شهر تهران در آستانه انقلاب، از ارقام مندرج در این آمار بخوبی مشهود است. ثروتمندان و خارجیان در محله دولت و سنگلج مستقر شدند و این گرایش پیدا شد که اغنیا در شمال و غرب شهر و فقرا در جنوب و شرق آن قرار گیرند، که هنوز هم ادامه دارد. البته در هر محله، مردم ثروتمند و فقیر کنار هم وجود داشتند، ولی به نظر می‌رسد که در ۱۳۲۰ محلات نسبت به پیش، بیشتر بین ثروتمندان و فقرا تقسیم شده بود. رشد تهران نیز امکان این را داده بود که عده‌ای با پیش‌بینی فروش زمینهای شهری یا سرمایه‌گذاری، صاحب ثروت‌های هنگفت شوند. هرچند که مشروطه خواهی در آغاز در باره محدود کردن قدرت شاه و جلوگیری از نفوذ خارجی بود، ولی خیلی زود تبدیل به حرکتی شد با ابعاد تند و انقلابی که چه بسا ریشه در تحولاتی داشت که پیشتر و صف شد.

۱. از سال ۱۲۹۶ امنیت تهران به کنت دومنت فورت سپرده شده بود. وی در سفر دوم ناصرالدین شاه به اروپا در استخدام دولت ایران درآمد، و مدت ۱۴ سال ریاست پلیس با او بود. افراد پلیس روزانه گزارشهایی از وقایع شهر در محلات مختلف برای کنت تهیه می‌کردند که حاوی نزاع، خودکشی، الواطی، دزدی و غیره است و اطلاعات جالب توجهی از حیات اجتماعی شهر به دست می‌دهد.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی